

وزیر خارجه اسبق ایران: رابطه ای میان منافع ایران و رد هولوکوست وجود ندارد

ابراهیم یزدی وزیر خارجه اسبق ایران و دبیرکل نهضت آزادی ایران و رئیس شورای مرکزی این تشکل لیبرال ایرانی، در گفتگو با روزنامه الشرق کویت به تحلیل سیاست خارجی فعلی ایران پرداخت و تأکید کرد که سیاست هر کشوری برخاسته از سیاست داخلی آن است و هر کشوری یک برنامه توسعه همه جانبه برای خود طراحی می کند که سیاست خارجی جزئی از آن به حساب می آید. از اینرو سیاست خارجی امروز ایران هیچ رابطه ای با منافع ملی کشور ندارد و بعنوان مثال رابطه ای میان منافع ایران و رد هولوکوست وجود ندارد. از سوی دیگر در دیدگاه اسلام توجهی به کم یا زیاد بودن عدد یهودیانی که به دست نازی های آلمانی کشته شدند، نشده است بلکه آنطور که قرآن می فرماید: **"... من قتل نفسا بغير نفس أو فساد فی الأرض فکأنما قتل الناس جميعا ومن أحيایها فقد أحيای الناس جميعا"** در اینجا قرآن نگفته که «هرکس یک یهودی را بکشد» یا «هرکس یک مسلمان را بکشد» بلکه تصریح کرده است که «هرکس جانی را بگیرد» و بنابراین رئیس جمهور اگر می خواهد درباره یک واقعه تاریخی حرف بزند بهتر است آنرا از دیدگاه قرآن نگاه کند. از این رو سخنان احمدی نژاد درباره هولوکوست مناسبتی با تعالیم اسلامی و منافع ملی ایران ندارد.

در ارتباط با سیاست هسته ای ایران، دکتر ابراهیم یزدی می گوید: این سیاست توسط رئیس جمهور تعیین نمی شود بلکه در شورای عالی امنیت ملی چارچوب آن مشخص شده سپس به تأیید رهبر می رسد. ما با این سیاست هسته ای مخالف هستیم زیرا که در حال حاضر نیروگاه اتمی فعال نداریم تا برای آن اورانیوم غنی سازی کنیم. لازم است در ابتدا نیروگاه ساخته شود سپس برای آن دست به غنی سازی اورانیوم بزنیم. علاوه بر این انرژی اتمی نمی تواند اولویت اول ایران باشد زیرا ایران با وجود اینکه یک کشور نفتی به حساب می آید و از مهمترین کشورهای صادره کننده این ماده است اما در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد فرآورده های مصرفی نفت را از خارج وارد می کند. بنابراین اولویت اول ایران می تواند توسعه پالایشگاه های نفت باشد امری که برای توسعه آن عملیات پیچیده نیاز نیست و اعتراض کسی را هم در سطح بین المللی بر نمی انگیزد.

یزدی می پرسد: در شرایط فعلی که منافع ملی ایران به خطر افتاده است تا چه حد غنی سازی اورانیوم برای ایران حیاتی به نظر می رسد؟ او در این زمینه تأکید می کند: در حال حاضر ایران عضو معاهده ان پی سی است و از حقوق بدیهی ایران است که بتواند صاحب انرژی اتمی شود و آنرا به کار برد و هیچکس حق ندارد به آن اعتراض کند. سیاست اتمی ایران را فقط ملت ایران می تواند تعیین کند و حکومت وظیفه دارد سیاست

تعیین شده ملی را به کار برد. دکتر یزدی آرزو دارد که در ایران شرایطی پیش بیاید که احزاب مختلف سیاسی بتوانند دیدگاه خود را درباره برنامه هسته‌ای ایران آزادانه اعلام کنند و دیدگاه وی بعنوان رهبر یک حزب ریشه‌دار در ایران، مخالفت با سیاست هسته‌ای دولت فعلی است.

وزیر خارجه اسبق ایران در پاسخ به این پرسش که سیاست اتمی ایران در دوره دولت موقت چگونه بود، می‌گوید؛ حکومت شاه سه گام در راستای موضوع انرژی اتمی برداشته بود. نخست در یک معدن اورانیوم در کشور افریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کرد. دوم، ۱۰ درصد سهام شرکت «یورودیف» فرانسه که در کار غنی-سازی اورانیوم بود را خریداری کرد و در گام سوم، قراردادی با کشور آلمان برای ساخت نیروگاه بوشهر بست و به دنبال آن برنامه‌ای برای ساخت ۲۰ نیروگاه دیگر در مناطق مختلف کشور طراحی کرد. طبیعتاً ساخت این همه نیروگاه بر پایه سه گام قبلی استوار بود. بعد از انقلاب دولت موقت ساخت نیروگاه بوشهر را رد کرد و آن را از نظر اقتصادی مقرون به صرفه ندانست. اما به دلایل سیاسی و اقتصادی سرمایه‌گذاری در یک معدن اورانیوم در افریقای جنوبی و همچنین محافظت از ۱۰ درصد سهام خود در شرکت یورودیف فرانسه را ادامه داد. دولت موقت در برابر رد ساخت نیروگاه بوشهر، برنامه گسترش شبکه گازرسانی در اقصی نقاط کشور را دنبال کرد.

دکتر ابراهیم یزدی معتقد است اگر تهران بخواهد روابط خود را با آمریکا و اروپا بهبود بخشد باید قبل از آن با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافق برسد. همچنین وی انتظار دارد دولت ایران بسته مشوق‌ها که از سوی مجموعه ۵+۱ پیشنهاد شده است را با اندکی تغییرات بپذیرد.

دبیرکل نهضت آزادی ایران درباره احتمال از سرگیری روابط ایران و آمریکا می‌گوید؛ برای این منظور باید اراده واقعی برای عادی سازی روابط وجود داشته باشد. به عقیده وی در دوران جورج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا چنین اراده‌ای برای بهبود رابطه با ایران دیده نمی‌شد. علی رغم اینکه دولت ایران برای ساقط ساختن طالبان کمک شایانی به آمریکا کرد و در جاهای دیگر چون دعوت گروه‌های طرفدار خود به مشارکت در کنفرانس برلین و سپس حمایت از حامد کرزای مساعدت‌های خود را ارائه داد اما آمریکا گامی به سوی ایران برنداشت.

از دید دکتر یزدی باراک اوباما رئیس جمهور فعلی آمریکا واقعا می‌خواهد روابط خود را با ایران بهبود دهد و در مقابل ایران نیز تمایلی به این کار دارد اما راه میان ایران و آمریکا زیاد هموار نیست زیرا که گروه‌های فشار موجود در هر دو کشور تلاش‌های خود را به کار می‌گیرند تا روابط میان این دو از سر گرفته نشود. اما این بدان معنا نیست که در میان دو کشور تمایلی برای از سرگیری روابط وجود ندارد بلکه تماس‌ها ادامه دارد و بهبود رابطه با آمریکا به منافع ملی ایران کمک می‌کند و نهضت آزادی ایران از این کار استقبال می‌کند خواه این بهبود روابط توسط دولت احمدی‌نژاد صورت گیرد یا هر دولت دیگر.

به اعتقاد دکتر ابراهیم یزدی از سرگیری روابط ایران با آمریکا پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر سیاست ایران دارد و اگر روابط بهبود یابد از نظر داخلی دیگر حکومت ایران نمی‌تواند مخالفان خود را به بهانه ارتباط با آمریکا سرکوب کند و در سطح منطقه بهبود روابط ایران و آمریکا کمک می‌کند که ایران بتواند عضو شورای همکاری خلیج فارس شود زیرا این شورا بدون ایران و عراق ناقص است و بدون این دو کشور امنیت و ثبات در منطقه کامل نمی‌شود. عراق و در دوره صدام حسین مشکل بود که بتواند وارد این شورا شود ولی بعد از سقوط صدام اکنون راه برای عضویت عراق در این شورا هموار شده است. همچنین از سرگیری روابط ایران و آمریکا اثر مثبتی بر روابط ایران و کشورهای عربی خواهد داشت و موضوع پیوستن ایران و عراق به شورای همکاری خلیج فارس بطور جدی پی‌گیری خواهد شد زیرا آثار مثبتی بر امنیت منطقه خواهد گذاشت و منافع کشورهای منطقه را تأمین خواهد کرد.

وزیر خارجه اسبق ایران کشورهای عربی را دعوت کرد از نزدیکی روابط ایران و آمریکا استقبال کنند و نگرانی‌های خود را در این زمینه به دور بریزند و در امر بهبود روابط ایران و آمریکا مشارکت کنند. زیرا این موضوع به منافع آنها خدمت می‌کند و کشورهای منطقه دارای منافع مرتبط به هم هستند.

در پاسخ به این سؤال که در انتخابات ریاست جمهوری آینده کدامیک از نامزدها شانس بیشتری برای پیروزی دارد، دکتر یزدی می‌گوید؛ فضای سیاسی کشور اکنون بسته است و نمی‌توان یک نظرسنجی واقعی در سطح کشور اجرا کرد. بنابراین نمی‌توان پایگاه مردمی هر یک از کاندیداها و شانس آنها برای پیروزی را به درستی برآورد کرد. در چنین شرایطی هر یک از نامزدها تلاش می‌کنند عدد و ارقامی که به نفع آنهاست، ارائه دهند.

دبیرکل نهضت آزادی از پاسخ دادن به این سؤال که کدامیک از دو نامزد اصلاح طلب یعنی کروبی و موسوی پایگاه مردمی بیشتری دارد، اجتناب کرد و تنها به این موضوع بسنده کرد که اگر اصلاح‌طلبان بر سر یک کاندیدا در رقابت انتخابات ریاست جمهوری به توافق برسند، امکان آن را می‌یابند که در انتخابات پیروز میدان باشند. از نظر یزدی جنبش اصلاحات موضوعی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید یا کنار گذاشت بلکه باید بوسیله آن انحرافات صورت گرفته از قانون اساسی را تصحیح کرد و تنها راه رسیدن به این مبارزه سیاسی در چارچوب قانون است. محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق که پیشاهنگی جنبش اصلاحات را به عهده داشت، علی‌رغم اینکه اصلاح‌طلبان بر دو قوه مجریه و مقننه چیره شدند، نتوانست به تعهدات خود در برابر ملت ایران عمل کند و در نتیجه ناراحتی و خشم مردم را به ارمغان آورد. علت این مسأله را نیز می‌توان در این جستجو کرد که جنبش اصلاحات فاقد رهبری بود و خاتمی رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب بود و نه رهبر اصلاحات.

از نظر یزدی هیچ فرد و حزبی نمی‌تواند به تنهایی اصلاحات را رهبری کند، بلکه لازم است تمام تشکل‌های اصلاح‌طلبی در یک خیمه واحد گردهم آیند و برای این منظور تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفت تا همه نیروهای اصلاح‌طلب را در یک صف واحد جمع کند اما هیچکدام از این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. دکتر یزدی امیدوار است که انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو همه گروه‌ها و احزاب اصلاح‌طلب را متحد کند. او همچنین معتقد است که دلیل پراکندگی اصلاح‌طلبان عدم التزام آنها به قواعد بازی دموکراتیک است. از نظر وی دموکراسی درسی نیست که بتوان آن را در مدارس یاد گرفت و نمی‌توان آن را از طریق نظامی‌گری و کاربرد زور پیاده کرد. همچنین دموکراسی کالائی نیست که بتوان آن را به جائی صادر کرد بلکه دموکراسی رفتاری است که باید آن را نهادینه کرد. دموکراسی بر سه پایه ساخته می‌شود؛ نخست اینکه افراد بشر با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، دوم اینکه علی‌رغم وجود این اختلاف نظرها همدیگر را تحمل کنند و سوم آن است که با یکدیگر و به منظور ایجاد همبستگی به تعاون و همکاری روی بیاورند.

به اعتقاد دکتر ابراهیم یزدی کشوری همانند ایران که استبداد برای سال‌های متمادی در آن حاکم بوده است، یک شبه نمی‌توان دموکراسی در آن ایجاد کرد زیرا که فرهنگ استبداد مطلق نگر است و همه چیز را به شکل سیاه و سفید می‌بیند که این با قواعد دموکراسی همخوانی ندارد. در طی ده سال گذشته جنبش اصلاحات راه دور و درازی را در زمینه دموکراسی پیمود و بعنوان مثال اصلاح‌طلبان در ابتدای کار خود نیروهای سیاسی جامعه را به هوادار و غیر هوادار خود تقسیم می‌کردند و در این میان نهضت آزادی ایران را در بخش غیر خودی طبقه‌بندی می‌کردند. اما امروزه می‌بینیم که جنبش اصلاحات چنین تقسیم‌بندی را قبول ندارد. همچنین جنبش اصلاحات یاد گرفت که چگونه نیروهای دیگر اصلاح‌طلبی را تحمل کند اما متأسفانه هنوز یاد نگرفته است که چگونه با نیروهای دیگر همکاری کند موضوعی که در انتخابات گذشته موجب شکست آنها شد. من نسبت به آینده خیلی خوش‌بین هستم و معتقدم که بعد از انتخابات آینده خواهیم دید که اصلاح‌طلبان برای همکاری با یکدیگر آمادگی بیشتری نشان خواهند داد.

دکتر ابراهیم یزدی در ارتباط با مشکل نهضت آزادی ایران با حاکمیت فعلی که به آنها اجازه نمی‌دهند فعالیت سیاسی علنی داشته باشند و برای انتخابات آینده ریاست جمهوری نامزد معرفی کنند، می‌گوید: همه ما قبل از انقلاب و بعد از پیروزی آن با هم همکاری می‌کردیم اما بعد از آن حذف نیروهای سیاسی آغاز شد و نهضت آزادی ایران از نخستین نیروهای سیاسی بود که حذف شد و امروز حتی تلاش می‌شود هاشمی رفسنجانی را حذف کنند. این در حالی است که امام خمینی در پاریس و قبل از بازگشت وی به ایران اعلام کرد که حتی کمونیست‌ها حق دارند در ایران بعد از انقلاب فعالیت حزبی خود را داشته باشند.

ابراهیم یزدی می‌گوید اختلاف نهضت آزادی با حاکمیت فعلی بر سر یک سری اصول مشخص است. یکی از بارزترین این اصول اینکه حاکمیت موجود به اصول قانون اساسی که اکثریت قاطع ملت ایران به آن رأی داد

عمل نمی‌کند و این برخلاف آیه شریفه قرآنی است که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانی که با مردم بستید وفا کنید». قانون اساسی پیمانی است که به امضای اکثریت مردم ایران رسیده است و بر همه واجب است به آن متعهد باشند و دولت حق ندارد برخی از اصول قانون اساسی که با خواسته های آن همخوانی ندارد را معطل سازد. البته قانون اساسی فعلی کاستی‌هایی دارد ولی این دلیل نمی‌شود که بقیه اصول آن را نادیده بگیریم بلکه باید تلاش کنیم کاستی‌های آن را ترمیم کرده به رأی مردم بگذاریم.